

ادامه از صفحه اول

### گفتمان‌های اعتبارزاد و ادال‌های اشباع‌شده

اینکه گفتمانی نیست که بتواند جهان پیرامون سوزه‌های اجتماعی را برایشان معنا کند، برایشان حقیقت بیافریند و به کنش‌هایشان جهت دهد؛ یعنی اینکه پیوندهایی که «خود جمعی» ما را در قالب یک «جامعه» منسجم می‌کرد، دیگر وجود ندارند و این تهدیدی برای جامعه است.

در خلال سال‌های گذشته، جریان‌های رقیب تلاش کرده‌اند با گزینش برخی دال‌ها و انحصار در معنا بخشی و ارجاع به مدلول‌های مشخص، با مفصل‌بندی آنها جهان اجتماعی ایرانیان را معنا کنند. دال‌های مختلفی از جمله عدالت، استقلال، آزادی، مردم‌سالاری و مواردی از این دست، محوریت سازه‌های زبانی در گفتمان‌های مسلط را شکل داده، به زندگی و کنش‌های سُوژه‌های ذیل خود معنا بخشیده و افق و مسیر تعریف کرده‌اند؛ اما در شرایط کنونی به نظر می‌رسد در معنا بخشی به این دال‌ها اختلال ایجاد شده است. به‌عنوان مثال زمانی بنیان‌گذاران یک گفتمان، دال «آزادی» را در محوریت قرار داده و به‌گونه‌ای معنا کرده و مبتنی بر آن نظم معنایی خاصی دربارهٔ دیگر دال‌ها شکل دادند و متقابلاً سخنگویان گفتمان رقیب، تلاش کردند همان دال «آزادی» را به مدلول‌های دیگری ارجاع داده و معنایی جایگزین، متناسب با مفصل‌بندی خود سامان دهند و در مجموع این رقابت خود گویای پویایی سازه‌های زبانی رقیب بوده است؛ اما اکنون به نظر می‌رسد نه‌فقط هم گفتمان مسلط و هم گفتمان‌های رقیب از معنا بخشی به این‌دال عاجزند؛ بلکه حتی اعتبار خود دال «آزادی» نیز موضوع تردید است. به عبارت دیگر این دال کمابیش ارزش و جذابیت خود را برای سُوژه‌های اجتماعی از دست می‌دهد، چه بسا این واژه برای عموم عاملیت‌های اجتماعی، دیگر احساس و شوری برنگیزد و برای سُوژه‌های خاص و فرهیخته واکنشی از جنس طرد را به دنبال داشته باشد. این امر برای دیگر مفاهیم بنیادین در گفتمان‌های حاضر نیز صادق است. این وضعیت خاص و خطرناکی است؛ وضعیتی که در آن گفتمان‌ها نه‌فقط «بی‌اعتبار»؛ بلکه «اعتبارزدا» شده و مهم‌ترین دال‌ها یا همان نام‌های بزرگی که باید بنیان‌های زیست اجتماعی بر آن استوار باشند، نه‌فقط مسدود؛ بلکه «اشباع‌شده» هستند. به عبارت صریح‌تر، گفتمان‌ها که کارکرد متعارف‌شان معنا بخشی و هویت‌سازی است، عملاً عاملی برای تهی‌سازی معانی و هویت‌زدایی شده‌اند.

این وضعیت چه بسا گفتمان و خرده‌گفتمان‌های اصولگرایانه و محافظه‌کارانه را کمتر یازارد. اگر در یک جامعه سیاسی- خواه آنتاگونیستیک و خواه با رقابت‌های دموکراتیک- گفتمان‌ها در تلاش‌اند که به واسطه تسلط‌شدن بر فضاهای بینادھنی سُوژه‌ها، دسترسی‌ها را تسهیل کنند، در ایران امروز سازه‌های معنایی اصولگرایانه چنین ضرورتی را احساس نمی‌کنند. چه نیازی به جست‌وجوی مقصود است، وقتی که هم‌اکنون در مقصد هستند؟ گفتمان و خرده‌گفتمان‌های اصولگرایانه بیشتر به «توجیه» دسترسی‌های منابع در اختیارشان در کار می‌آیند یا در برهه‌های خاص رقابت‌های انتخاباتی برای تکمیل این دسترسی‌ها. این گفتمان‌ها موفق باشند یا ناموفق، تأثیر چندانی در تسلط سخت‌افزاری اصولگرایان نخواهد داشت؛ بنابراین گفتمان‌های اصولگرایانه از پیش بر ابدان مسلط‌اند و دغدغه‌ای برای سلطه بر اذهان ندارند؛ اما برای گفتمان اصلاح‌طلبی وضعیت دیگری در جریان است؛ اعتبارزادشدن اصلاح‌طلبی و اشباع دال‌های محوری آن.

پدیده دال‌های اشباع‌شده بیش از آنکه متأثر از کاربرد نادرست یا نبود انسجام مدلول‌ها باشند، مستقیماً نتیجه و هم‌زمان دلیل اعتبارزادشدن گفتمان‌ها موجود هستند؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که با جابه‌جایی یا ترمیم دال‌های محوری، این گفتمان‌ها احیا شوند؛ بلکه برعکس آنها خود عامل مرگ دال‌های بزرگ هستند. چندی است که امیدهایی مطرح می‌شود؛ مبنی بر اینکه باید برای ترمیم و احیای گفتمان‌مان به سراغ فضای گفتمان‌گوگی رفته و از گنجینه آن تلاشی را سامان دهیم؛ مثلاً با ورود دال ملی‌گرایی به مجموعه مفاهیم محوری سازه زبانی خود یا جست‌وجوی مفاهیمی که زندگی متعارف دنیوی را نمایندگی کنند، درصدد اعتبار بخشی مجدد برآییم. صرف‌نظر از اینکه تا چه حد مفصل‌بندی ملی‌گرایی با دیگر دال‌های محوری اصلاح‌طلبی ممکن و میسر باشد یا اینکه بنیان عمیقاً سیاسی اصلاح‌طلبی- سیاسی به معنای جست‌وجوری قدرت- تا چه حد پذیرای ارزش‌های زیست متعارف دنیوی است، تصور می‌کنم چنین تلاشی نهایتاً به اعتبارزدایی از دال ملی‌گرایی یا تاهنجارکردن زیست متعارف خواهد انجامید و نه احیای اصلاح‌طلبی.

البته هستی اجتماعی ما محدود به همین روندهای قابل رصد و ارزیابی نیست و چه بسا در آینده‌ای دور با نزدیک، امر واقعی جایی با امری واقعِ و دورر شود. این رخدای است که دست‌کم از منظر توریک ناممکن نیست.

ادامه در صفحه ۴

ادامه از صفحه اول

یکی جایگاه این سخنان و دیگر محتوای آن. شاید انتشار این سخنان در روزنامه‌های اصلاح‌طلب، اثرگذاری به‌مراتب کمتر از آن چیزی را که موردنظر لیلاز است، به همراه داشته باشد.

تبعات خواسته این مواضع دفاع از امنیت ملی ایران است که همه جناح‌ها در آن اتفاق نظر دارند اما گویا لیلاز بیش از تبعات خواسته به تبعات ناخواسته و جانبی آن فکر می‌کند یعنی او در پی هویتی تازه است که بتواند مواضع مشترکی با اصولگرایان داشته باشد. البته این با ماهیت او در قامت کارشناس مستقل دانشگاهی بسیار تفاوت دارد؛ کارشناسی که همواره با طنز و طنزازی به مخالفانش می‌تاخت… گویا لیلاز مانند دیگر کارگزاران درصدد است به پوزیسون نزدیک و همدل شود. لیلاز در برخی مواضع رسمی بارها به دولت روحانی در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی حمله کرده است. اما این حمله‌ها اصالتی از نوع حمله‌های منتقدان مستقل و رادیکال مخالف دولت ندارد. بیشتر اعلام برائت از اشتباهات دولت روحانی است. محمد عطریانفر دیگر چهره کارگزاران است که همواره مواضعی متعادل داشته است. او هرگز چهره‌ای رادیکال نبوده و از سوی دیگر، اصولگرایان به او اعتماد نداشته‌اند. او پیش از آنچه هست، پیچیده جلوه می‌کند. عطریانفر مدیری اجرایی مانند کرباسچی نیست. ذهنی پویا دارد که قادر است سیاست را مهندسی کند. شاید از همین رو است که او پشت پرده می‌ایستد. عطریانفر نیز اخیراً با خبرگزاری تسنیم گفت‌وگویی انجام داده که مواضعش تا حدودی با لیلاز و اصولگرایان هم‌خوانی دارد. اما نکته ظریف ماجرا این است که حضور عطریانفر در رسانه‌های اصولگرا معنای حضور سعید لیلاز را ندارد. عطریانفر فعال سیاسی است؛ سیاست بماهو سیاست. از این جهت حضورش در جایگاه‌های رسانه‌ای مختلف بیش از هر چیز بهره‌براری او از آن رسانه است. عطریانفر با حفظ رویه انتقادی در مواجهه با اصولگرایان

درصدد جست‌وجو و درشت‌نمایی مواضع مشترک بین کارگزاران سازندگی و اصولگرایان است. او در گفت‌وگویی با خبرگزاری تسنیم می‌گوید: پیروزی اصلاح‌طلبان در سال ۹۶ به تقویت برخی اندیشه‌های رادیکال در جریان اصلاحات منجر شد و این مسئله ناخواسته به برخی خودباوری‌های کاذب و خودشیفتگی دامن زد. عطریانفر با دفاع از دولت روحانی درباره انتخابات پیش‌رو می‌گوید: «کسانی که درباره آزادی انتخابات بدون شورای نگهبان سخن می‌گویند، حتما در دایره نظام سیاسی ایران مردود هستند». محمد قوچانی کارگزارانی دیگری است که با تسنیم گفت‌وگویی ویدئویی مفصلی انجام داده است. او در این گفت‌وگو بیش از آنکه درصدد برجسته‌سازی‌های تناقضات استراتژیک با اصولگرایان باشد، به دنبال نوعی بازبینی گذشته معنای حضور سعید لیلاز را ندارد. عطریانفر فعال سیاسی است؛ سیاست بماهو سیاست. از این جهت حضورش در جایگاه‌های رسانه‌ای مختلف بیش از هر چیز بهره‌براری او از آن رسانه است. عطریانفر با حفظ رویه انتقادی در مواجهه با اصولگرایان

**شرق:** ماجرای روزنامه «کیهان» و نماینده میاندوآب ادامه دارد. دیروز

این روزنامه یادداشت تندی علیه جهانبخش محبی‌نیا منتشر کرد. او در نطق میان‌دستور خود انتقاداتی را علیه روزنامه کیهان و مدیرمسئول این روزنامه که رئیس قوه قضائیه را «ذوالقرنین» خوانده بود، مطرح کرده بود. این نماینده اصولگرا اما امروز هم حملات کیهان علیه خود و مجلس را بی‌پاسخ گذاشت و در تذکری شفاهی خطاب به حسین شریعتمداری، مدیرمسئول کیهان، گفت که توبه کند. به گزارش «خانه ملت»، محبی‌نیا در تذکر خود گفت: «من در مجلس نطقی داشتم که پس از آن ایس روزنامه در صفحه دوم خود به‌ صورت مفصل ضمن توهین، اهانت، تحریف و تهدیدهای خاص، نسبت به نهاد مجلس تعدی بسیاری کرده است. در این روزنامه خطاب به من نوشته شده آقای نماینده جناب‌عالی کجا تشریف داشته‌اید؟ همچنین آورده شده که من در نطقم از تهمت و دروغ استفاده کردم و مانند سرمقاله اخیر کیهان که جناب آقای رئیسی را ذوالقرنین خطاب نکرده‌ام، این مسئله به معنای تهمت و افترا بوده. در اینجا باید بگویم که من آقای رئیسی را حدود ۴۰ سال است می‌شناسم و خدمت ایشان ارادت دارم و آقای شریعتمداری را نیز دوست داشته و زمانی با ایشان مراوداتی داشتم.

## سیاست

# پیچیدن از راست به راست؟



عکس بنشیند خبرنگاران جوان

در سر دارد. شاید برای تحقق همین رؤیاها است که از جایی تصمیم گرفت دل با خود یكدله کند و میانه اپوزیسیون و پوزسیون نایستد و پوزسیون را انتخاب کرد. محمد قوچانی که با راست‌ستیزی روی کار آمد، در مسیر کارش به چپ‌ستیزی روی آورد و در زمانه‌ای که چپ تریونی مستقل برای دفاع از خود نداشت، حتی گذشته مبارزاتی آنان را نقد کرد؛ مواضع چپ‌ستیزانه‌ای که خواست با ناخواسته بسیار خوشایند پوزسیون بود. البته محمد قوچانی باور دارد که اصولگرایان بیش از هر طیف سیاسی دیگر با آموزه‌های چپ نسبت دارند. او در همین میزگرد ویدئویی اخیرش با سید نظام‌الدین موسوی در تسنیم تلاش می‌کند با تبیین مواضع کارگزاران سازندگی از کنار مباحث بحث‌برانگیزی که برای اصلاح‌طلبان استراتژیک و مناقشه‌برانگیز است، عبور کند و به مفاهیمی مشترک با اصولگرایان دست یابد: «من زمانی خدمت یکی از بزرگان کشور نامه نوشتم و گفتم شاید این واژه متناقض به نظر برسد اما من از این واژه دفاع می‌کنم: «توسعه سیاسی آمرانه» یعنی به جایی می‌رسم که بزرگان دو جناح را جمع

می‌کنم و می‌گویم که شما موظفید بروید دو جبهه بزرگ تشکیل دهید و بعد همه مسئولیتان هم با من است، هر رفتار و هر کنش سیاسی غیر از این هم غیرقانونی تلقی می‌شود».

بدیهی است در این مناظره طولانی نکات فراوانی گفته شده است که در آن دفاع از آزادی بیان و اصلح‌طلبان هم وجود دارد. گزینش این تکه نمونه‌ای از جای‌جای این میزگرد است که هدفش تبیین استراتژی یکسان‌سازی است؛ البته با حداقل خسارت به اصلاح‌طلبان. اما در لایه‌های زیرین آن اعتمادسازی و جلب‌توجه نهادهای رسمی و جناح‌های اصولگرا دیده می‌شود. اعتمادسازی که اگر قریب به موفقیت شود، نامزدهای سازندگی در انتخابات مجلس از فیلتر شورای نگهبان به‌راحتی عبور خواهند کرد. اگر این خواسته محقق شود، آنان به لحاظ عدد دست بالا را خواهند داشت و مهم‌تر از همه با این اعتمادسازی در میان جناح رقیب و نهادهای رسمی حزبی فرادست اصلاح‌طلبان خواهند شد. کارگزاران سازندگی همواره دغدغه آن را داشته‌اند که با تبعیت از حکومت در ساختارهای آن نقش آفرینی کنند. این خواسته تا زمان حیات هاشمی‌رفسنجانی کار چندان دشواری نبود. شاید یکی از نکات قابل‌تأمل تکنوکرات‌های سازندگی این باشد که آنان درصدد جلب توجه توده‌های مردم برنمیامدند و همواره این نقیصه را با توان مردمی دیگر جناح‌های اصلاح‌طلب جبران کرده‌اند. در انتخابات پیش‌رو که مشارکت مردم چندان قابل ارزیابی نیست، کارگزاران در پی آن‌اند که با پیوندهای فرااصلاح‌طلبانه پیروزی خود را حتی در مشارکت حداقلی نیز تضمین کنند. این فرضیات بربنیای کنش‌های رفتاری و کرداری کارگزاران سازندگی در این ماه‌های اخیر صورت گرفته است، چه‌سا ممکن است همه این مفروضات بیش از آنکه استراتژی کارگزاران باشد، صرفاً ایده رسانه‌ای اصولگرایان برای تنوع و تکرربخشدن به دیدگاه‌های آنان بوده یا هیچ‌کدام و شاید همه امور تصادفی است. این را آینده روشن خواهد کرد.

خبر

### نامه جمعی از نمایندگان مجلس به رئیس دستگاه قضا درباره احکام صادرشده برای روزنامه‌نگاران

● جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به رئیس قوه قضائیه، خواستار اصلاح احکام صادرشده اخیر برای روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی شدند. علی مطهری، الیاس حضرتی، غلامرضا حیدری، علی نوبخت، قاسم میرزایی‌نیکو، عبدالکریم حسین‌زاده، محمود صادقی، مصطفی کواکبیان، پروانه سلحشوری، طیبه سیاوشی و سیده حمیده زربادی از جمله نماینده‌هایی هستند که نامه بادشده را خطاب به حجت‌الاسلام رئیسی نوشتند. به گزارش «اعتماد آنلاین» در این نامه خطاب به رئیس دستگاه قضا آمده: «با اهدای سلام، اخیراً احکام سنگینی و تیر و کمانی برخی خبرنگاران مانند خانم‌ها مرضیه امیری و عاطفه رنگریز و ندا ناجی به اتهام حضور در تجمع کارگران در روز کارگر مقابل مجلس شورای اسلامی صادر شده است که اقناع جامعه را با مشکل مواجه کرده است. اگر جرم آنها حضور در تجمع بوده که خلاف قانون اساسی نیست و اگر تهیه گزارش بوده وظیفه ذاتی آنها بوده است. همین‌طور است رفتاری که درباره فعال اجتماعی خانم نوشین جعفری صورت گرفته است». در بخش دیگری از این نامه نیز آمده: «انتظار ما نمایندگان از جناب‌عالی که طلیعه خوبی در مسئولیت جدید خود داشته‌اید این است که این سخت‌گیری‌ها که به بهانه حفظ نظام انجام می‌شود و هیچ ضرورتی ندارد اصلاح شود». مرضیه امیری خبرنگار روزنامه «شرق» به‌تازگی در دادگاه انقلاب در حکم اولیه به ۱۰ سال و شش ماه حبس تعزیری و تحمل ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شده است. عاطفه رنگریز، ۱۱ بازداشت‌شدگان مراسم روز جهانی کارگر نیز به ۱۱ سال و نیم زندان و ۲۴ ضربه شلاق محکوم شده است. نامه نمایندگان مجلس در حالی منتشر شد که دو روز قبل پروانه سلحشوری، نماینده تهران، به احکام صادرشده برای روزنامه‌نگاران ازجمله مرضیه امیری اعتراض کرد.

وزیر کشور:

### احراز هویت در انتخابات مجلس الکترونیکی می‌شود

● ایسنا: عبدالرضا رحمانی‌فضلی در فرودگاه رشت اظهار کرد: «الکترونیکی‌شدن صدرصد احراز هویت رأی‌دهندگان گام بلندی در بحث الکترونیکی‌کردن انتخابات است». وی همچنین با بیان اینکه هماهنگی‌های لازم برای برگزاری انتخابات با همه دستگاه‌ها از جمله شورای نگهبان، دستگاه‌های امنیتی و تبلیغاتی انجام شده است، تصریح کرد: ما توافق‌هایی که حاصل کردیم را ریش می‌بریم و امیدواریم با همکاری همه دستگاه‌ها انتخابات سالم و قانونی در یک فضای امن و با مشارکت بالا را داشته باشیم».

### تغییر رئیس شورای هماهنگی جبهه اصلاحات

● ایسنا: عزت‌الله توپیان دبیرکل مجمع دانش‌آموختگان ایران رئیس دوره‌ای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات شد و آخرین جلسه این شورا به ریاست او برگزار شد. انتخاب دبیر و اعضای کمیته‌های تخصصی سیاسی استان‌ها و پشتیبانی و هماهنگی جبهه اصلاحات از جمله دستور کار این شورا بوده است. ریاست شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هر سه ماه یک بار تغییر می‌کند.

### قانع‌شدن مجلس از پاسخ وزیر ارتباطات درباره فیلترشکن‌ها

● ایسنا: وزیر ارتباطات دیروز میهمان مجلس بود. او برای پاسخ به سؤال نصرالله پژمانفر نماینده مشهد درباره علت عدم انجام وظایف قانونی وزارت ارتباطات در احراز هویت افراد در اینترنت، ساماندهی فیلترشکن‌ها و قطع سیم‌کارت‌های مجعول به جلسه علنی آمد. پس از طرح سؤال نماینده مشهد و پاسخ آذری جهرمی، نمایندگان ۱۰۲ رأی موافق، ۷۶ رأی مخالف و پنج رأی ممتنع از مجموع ۱۹۷ نماینده حاضر پاسخ‌های وزیر را قانع‌کننده دانستند.

### ۲کارت زرد به وزیر اقتصاد

● فارس: نمایندگان مجلس دیروز از پاسخ‌های وزیر اقتصاد به سؤال محمدرضا صباغیان مردم مهریز قانع نشدند. صباغیان در سؤال ملی خود از امور اقتصادی و دارایی درباره عدم راه‌اندازی سامانه ثبت حقوق شغلان دستگاه‌های اجرایی پرسید. از ۲۰۷ نماینده حاضر در صحن پارلمان ۹۳ نفر پاسخ‌های دزپسند را قانع‌کننده تشخیص دادند و ۹۵ نماینده اظهارات وزیر امور اقتصادی و دارایی را قانع‌کننده ندانستند، ضمن اینکه رأی سه نماینده هم ممتنع بود. با قانع‌شدن نمایندگان، وزیر اقتصاد در یک روز دومین کارت زرد را از مجلس دریافت کرد. دقایقی پیش از آن هم نمایندگان از پاسخ‌های وزیر به سؤال منصور مرادی درباره کارمزد سامانه پیامک بانکی قانع نشده بودند. به این ترتیب فرهاد دژپسند دومین کارت زرد خود را از مجلس دریافت کرد.

روزنامه کیهان را برانگیخت، خطاب به مدیرمسئول این روزنامه گفته بود: «کسانی که امروز دولت و مجلس را قافد ارزش نشان می‌دهند، برای بعضی افراد لقب ذوالقرنین انتخاب می‌کنند. همین آقایان تا دیروز در مورد مرحوم هاشمی می‌گفتند «مخالف هاشمی مخالف پیغمبری است» آخر سر دیدیم که چه برندی برای مرحوم هاشمی درست کردند و چه چیزهایی که به او نسبت ندادند. همین افراد می‌گفتند احمدی‌نژاد جزء ۳۱۳ نفر یاران ولی‌عصر(عج) است که قبل از خود امام زمان(عج) ما او را کشف کردیم؛ دیدیم که احمدی‌نژاد به چه موجودی تبدیل شد». بعد از این نطق، روز گذشته روزنامه کیهان در مطلبی او را به دروغ‌گویی انگشت کوچک دولت قبل هم نیستید. در این رابطه باید بگویم من نوشت نماینده مجلس از «برخورد قاطع دستگاه قضایی با مفسدان اقتصادی به‌شدت عصبانی شده بود». در بخش دیگری از پاسخ کیهان که محبی‌نیا به آن اشاره کرد، آمده است: «این نکته نیز گفتنی است که جناب‌عالی و دولت یازدهم و دوازدهم در خدمت‌رسانی دولت احمدی‌نژاد به مردم (قبل از انحراف) حتی انگشت کوچک آنها هم نمی‌شوید! می‌رسید چرا؟! سالی که نکوست از بهارش پیداست!». با پاسخ خود محبی‌نیا به «کیهان»، شاید این مناقشه بازهم ادامه پیدا کند.

او ادامه داد: «در عنوان سرمقاله اخیر روزنامه کیهان آمده بود «آیت‌الله سیدابراهیم ذوالقرنین، دست‌مریزاد» حال این سؤال پیش می‌آید که آیا من دروغ می‌گویم یا کسی که این نامه را نوشته است؟ آنها در مقاله روزنامه خود عنوان کردند محبی‌نیا چرا از مبارزه با مفساد ناراحت است؟ به جد و آیدان آن نفرین که اگر از مبارزه با فساد ناراحت باشم. در اینجا باید از اقدامات قوه قضائیه تشکر کنم؛ اما من از اینکه چابلیوسی و تملق به عرش برسد، ناراحتم. من می‌گویم شما نباید شخصیت بزرگی را در دام تملق گرفتار کنید». این نماینده مردم در مجلس دهم اضافه کرد: «در مقاله اخیر عنوان شده که شما، دولت یازدهم و دوازدهم انگشت کوچک دولت قبل هم نیستید. در این رابطه باید بگویم من با این دولت نه مخالفت و نه از آن دفاع می‌کنم؛ اما جهت اطلاع شریعتمداری می‌گویم که در آن دولت از من به‌عنوان وزیر دعوت شد و این مسئله را موکول کردم به اینکه در پارلمان نطقی بکنم و در آن نطق از کسی تعریف و با فرد دیگری زاویه بگیرم؛ اما نپذیرفتم. حال از آقای شریعتمداری می‌خواهم اگر خودشان این مقاله را نوشته‌اند، حتما توبه کنند و اگر خود این اقدام را نکرده‌اند، با توجه به سوابقشان، می‌خواهم که دقت بیشتری داشته باشند». محبی‌نیا در نطقی که خشم



آیت‌الله مصباح‌یزدی

دامناً چنین سوآلاتی را به شیوه‌های مختلف مطرح می‌کنند و حتی اگر در ذهن جوانی این شبهات وجود نداشته باشد، دشمنان برای او این سوآلات را طرح خواهند کرد».وی با تأکید بر اینکه همه این سوآلات جواب دارد، خاطرنشان کرد: «مسئله مهم این است که چگونه و با چه روشی باید به این سوآلات پاسخ داد؟ آیا می‌توان در پاسخ‌دادن به این سوآلات، صرفاً فرمایشات مقام معظم رهبری را به‌عنوان سند قرار داد، یا می‌توان در پاسخ به همه افراد از آیات قرآن به‌عنوان دلیل استفاده کرد؟ چه‌سا برخی قرآن را قبول نداشته باشند یا کسانی که آن را قبول دارند، بگویند برداشت ما از آیات قرآن چیز دیگری است؛ چون برخی آیات قرآن متشابه است. مگر نه اینکه خوارج برخی از زندگی دنیاست و هدف والاّتری برای علی(ع) استفاده می‌کردند؟! لذا ابتدا باید عقل

اما بانیان این آین کار را به اسم ارزش انجام داده‌اند.» مصباح‌یزدی در ادامه این دیدار گفت: «فکر و اعتقاد دیگران را نمی‌توان با زور و اجبار عوض کرد و نسل جوان امروز را که به‌درستی برای کارهایش دنبال دلیل می‌کرد، نمی‌توان قانع کرد که بر اساس تقلید، اعتقادی را بپذیرند. چه‌سا برخی از آنها شیوه پدران‌شان را اشتباه بدانند؛ شاید بعضی از ایشان معتقد باشند این همه جنگ، ویرانی، کشته و معلول‌شدن این تعداد انسان چه فایده‌ای داشت، به اسم دین جنگ‌هایی را انجام دادند که نباید آنها را به حساب دین گذاشت؛ مانند جنگ‌هایی که امپراتوری عثمانی به اسم دین انجام داد و حتی تا قلب اروپا نیز پیش رفت. پس جنگ‌ها گاهی صرفاً به انگیزه مادی صورت گرفته، گاهی نیز ارزش‌های غیرمادی دیگری در آنها مطرح بوده است، گاهی هم انگیزه مادی موجب راه‌اندازی یک جنگ شده،